

# خاطره‌نویسی و تجربه‌نگاری

بارویکرد سازمانی و حرفه‌ای

به همراه روایتی از خاطره‌ها و تجربه‌های نگارنده در صنعت فولاد

دکتر غلامرضا خاکی



” هرگز نباید برای اقرار به اشتباه، احساس شرمندگی کنید؛ زیرا اعتراف شما به خطاها، اثبات این نکته است که امروز خردمندتر از دیروز هستید.“

جانانان سوئیفت

\*\*\*

رهبران، مدیران، کارشناسان و کارکنان کسانی هستند که بنا به موقعیت خود درگیر تغییر محیط خویش اند. برای آنها در مسیر ایشای نقش شان، خاطره‌هایی خلق می‌شود که از دارایی‌های نامشهود ملی است. این ثروت خرد نباید در سینه‌ها مدفون بماند و باید به آگاهی عمومی برسد تا دیگران نیز از آن رمز و راز شکست‌ها و موفقیت‌ها را بیاموزند. نگارش خاطره و تجربه یک وظیفه انکارناپذیر در حوزه روشنفکری حرفه‌ای است. نگارنده امید دارد مطالب کتاب در انجام این رسالت حرفه‌ای، علاقه‌مندان را یاری‌رسان باشد.

نویسنده، پس از جنگ، در هنگام بازسازی کارخانجات تولیدی گروه ملی صنعتی فولاد ایران، مدیر آموزش، سنجش و تجهیز منابع انسانی بوده است. او در نوشتارهای اول و دوم (بخش الف) کتاب حاضر کوشیده تا چندچون خاطره‌نویسی و تجربه‌نگاری را شرح دهد، و در نوشتارهای سوم و چهارم (بخش ب) نیز خاطرات و تجربه‌های خود را در کلنجار با چالش‌ها و ترمیم آسیب‌ها، تشریح کند....

hamrokh.com

ISBN 978-622-90288-9-6



9 786229 028896



لطفا پس از خواندن مطالب علمی، بر اساس راهنما در قالب نگارش خاطره، خاطره ای بنگارید

## مقدمه

انسان موجودی زمانمند و زبانمند است. یعنی واقعیت وجودی‌اش از زمینه و زمانه‌ای متأثر است که در آن بالیده است و می‌زید. از پویندگی انسان در زمان و مکان، خاطره‌ها و تجربه‌ها ایجاد می‌شوند. بخش اندکی از آنها در حافظه می‌مانند و بسیاری نیز بر باد فراموشی می‌روند. خاطرات حالت عام و کلی و عاطفی دارند و گاه که بر موضوعی خاص یا برفرآیند حل مسئله‌ای ویژه تمرکز می‌یابند به تجربه تبدیل می‌شوند. حاصل توجه به خاطره‌ها، ایجاد هیجانات چندگانه است و کندوکاو در تجربه‌ها، خالق آموزه‌هاست.

## تعریف خاطره

«خاطره؛ مظلوف و محتوایی است که در ظرف ذهن (خاطر/ حافظه) جای می‌یابد و بخش مهمی از حافظه را به تسخیر خود درآورد. از آن جا که همه داشته‌ها و انباشته‌های ذهنی، ماندگاری و اعتبار یکسانی ندارند، بسیاری از آموخته‌ها و یافته‌های حصولی به‌مرور دچار کم‌رنگی و فراموشی می‌شوند، اما بسیاری از خاطره‌ها چون حاصل بازتاب مشاهدات، کرده‌ها، گفته‌ها و شنیده‌ها و نتیجه تجربه حضوری و زیست عملی و تعلق باطنی بشوند، به‌آسانی از یاد نمی‌روند و چنانچه زمینه تداعی آن‌ها فراهم شود، پس از سال‌ها غبار از چهره برمی‌گیرند و خود را می‌نمایانند. از این‌رو خاطره را می‌توان به جبهتی، انفعال و بازتاب ذهن در برابر رویدادهایی دانست که در حافظه ما جای گرفته‌اند یا نتیجه یادآوری آن‌چه در ذهن وجود دارد، به‌شمار آورد. در هر حال خاطره؛ رویدادی است که شایستگی ثبت و ماندگاری در ذهن را یافته است. بنابراین گرچه خاطره منعبت و متأثر از واقعیت بیرونی (پیرامونی، عینی) است،

حفظ و بقای آن متأثر از عوامل درونی و عاطفی فرد است. شاید عطف به همین معنا باشد که یکی از تلقی‌های رایج درباره خاطره، مرور ذهنی و یادکرد رویدادهای خوش و مطبوعی است که تداعی و نقل آن‌ها موجب انبساط و فرح شود. گویی همه وقایع سپری شده ارزش حفظ و نقل ندارند و روایت خاطرات، خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تأثیر مطلوبیت ذکر و مرور آن‌ها قرار می‌گیرد.

### حافظه: خزانه خاطره‌ها

حافظه / یادسپاری معادل واژه Memory است که از واژه یونانی Mnemosyne برگرفته شده است. به باور یونانیان باستان نما سینی (Mnemosyne) الهه حافظه بود و او را مادر ۹ رب‌النوع علم و هنر می‌دانستند. واژه حافظه در اصل یک واژه عربی و اسم فاعل است، یعنی اندام یا نیرویی که کار آن محافظت و نگه‌داری است. در واقع وظیفه آن محافظت از اطلاعاتی است که در ذهن انباشت می‌شود.

حافظه در تعامل نزدیک با دیگر فرآیندهای شناختی مانند توجه، ادراک، تفکر و زبان قرار دارد. حافظه همچنین نقش محوری در تعریف هویت فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. خاطرات فردی و تجربیات زندگی به شکل‌گیری احساس پیوستگی، هویت و درک ما از خودمان کمک می‌کنند. این جنبه از حافظه نشان‌دهنده اهمیت آن در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است. حافظه نه تنها شامل توانایی ذخیره و بازیابی اطلاعات است، بلکه درگیر فرآیندهای پیچیده‌ای مانند تغییر، تقویت و حتی فراموشی خاطرات با گذشت زمان است. این پویایی‌ها بخشی از چگونگی تطابق و یادگیری مداوم ما با محیط‌های در حال تغییر است. یادگیری حافظه به شدت به هم پیوسته‌اند. یادگیری فرآیندی است که طی آن تجربیات جدید بر اساس تجربیات گذشته تفسیر می‌شوند، و این امر بدون توانایی ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات امکان‌پذیر نیست. حافظه شامل سه فرآیند اصلی در ذهن است:

الف) رمزگردانی (Encoding): فرآیند تبدیل اطلاعات دریافتی از محیط به فرمتی که توسط مغز قابل ذخیره‌سازی باشد. کدگذاری می‌تواند به صورت بصری، شنیداری یا معنایی باشد و این فرآیند اولین قدم در ایجاد خاطره جدید است.

ب) ذخیره‌سازی (Storage): فرآیند نگهداری اطلاعات در مغز برای دوره‌های زمانی مختلف، از چند ثانیه در حافظه حسی تا دوره‌های طولانی مدت در حافظه بلند مدت. ذخیره‌سازی شامل سازمان‌دهی و نگهداری اطلاعات در ساختارها و شبکه‌های عصبی مغز است.

ج) بازیابی (Retrieval): فرآیند دسترسی به اطلاعات ذخیره شده و بازآوردن آن‌ها به ذهن آگاه برای استفاده در فعالیت‌های جاری. بازیابی می‌تواند به صورت فعال (مانند به خاطر آوردن یک حقیقت خاص) یا ناخودآگاه (مانند انجام دادن مهارتی که پیشتر یاد گرفته شده) صورت گیرد.

حافظه را می‌توان از نظر توانایی نگهداری اطلاعات بر اساس مدت زمان به سه نوع تقسیم کرد: حافظه کوتاه‌مدت، حافظه کاری، و حافظه بلندمدت، که هر کدام نقش‌های مختلفی در پردازش و ذخیره‌سازی اطلاعات دارند.

## ماهیت خاطره

از ماهیت خاطره می‌توان تلقی‌های گوناگونی داشت مانند:

### ۱. خاطره به عنوان رخداد

گاهی می‌گوییم سفر به آن نقطه سیاحتی یا زیارتی برای من خاطره‌ای ماندگار است؛ سفری که به هر حال تاثیری عمیق بر احساس، عاطفه یا باورهای ما داشته‌است. در اینجا خاطره عبارت است از نوعی رخداد.

### ۲. خاطره چونان فرآیند

ما به کمک حافظه و خاطره رخدادهای تجربه‌ها را تفسیر و معنا می‌کنیم. در این صورت آن چیزی که اهمیت دارد رخداد نیست بلکه فرآیندی است که ما طی آن رخدادی را از یک امر مادی و غیرانسانی به امری کاملاً معنادار و انسانی تبدیل می‌کنیم. برای مثال ما هر روز تجربه‌های مشترک فراوانی را با دوستان یا همکاران خود کسب می‌کنیم اما بعضی از این تجربه‌ها برای یک عده‌ای دارای معنای خاص، مهم یا متفاوت می‌شوند در حالی که عده دیگری که در آن حادثه شریک بوده‌اند اساساً به آن توجهی نکرده‌اند. برای مثال برخی دانشجویان از برخی سخنان یا رفتار استاد چیزهایی را به خاطر می‌سپارند و برای سال‌های طولانی به یاد

می‌آورند در حالی که برای دیگر دانشجویان آن درس یا استاد فاقد معنای خاصی است در اینجا چیزی که درس یا استاد را برجسته و متمایز می‌سازد فرآیند خاطره‌سازی دانشجویان است.

### ۳. خاطره به مانند حافظه

گاهی این تصور وجود دارد که ذهن آدمی مانند کامپیوتر یا دفترچه یادداشت، رخدادها یا تجربه‌ها را در خود ثبت و ضبط می‌کند، گویی ما لوح سفیدی هستیم که پیوسته برگ‌های این لوح به کمک حادثه‌ها یا تجربه‌ها نوشته می‌شوند. از این دیدگاه، خاطره چیزی است که چندان معرف عاملیت ما نیست بلکه بالعکس خاطره جایی است که ما منفعلانه و پذیرای حوادث در انتظار آن هستیم. از این دیدگاه خاطره چیزی است که بر ما تحمیل می‌شود، پیش از آن که به کمک ما برساخته شود. برای برخی که مواجهه فعالانه‌تر با زندگی و جامعه خود دارند خاطره بیش از هر چیزی فرآیند پویاست که عاملیت ما را نمایندگی می‌کند اما برای عده‌ای دیگر جایی است که ساختارهای جمعی خود را در آن حک می‌کنند. از این رو باید گفت ما نه با خاطره بلکه با خاطره‌ها مواجه هستیم.

### ۴. خاطره چونان فرهنگ

خاطره مثل هر امر انسانی دیگری نوعی سازه یا برساخته است که از تعامل جدی فردیت‌ها و فرهنگ‌ها به وجود می‌آید. ما خاطره‌هایمان را در چارچوب محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی می‌سازیم. به این معنا که هر فردی در درون مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و به طور کلی فرهنگی استقرار یافته است. این فرهنگ به ما می‌گوید چه چیزهایی خوب یا بد، انسانی یا غیرانسانی، ممکن یا ناممکن، زشت یا زیبا، اخلاقی یا غیراخلاقی و به طور کلی تجربه‌کردنی یا غیر تجربه‌کردنی است. خاطره‌های ما همان چیزهایی هستند که در چارچوب این فرهنگ ایرانی و اسلامی تعریف شده‌اند به کمک خاطره‌هایم از سویی فرصت پیدا می‌کنم این فرهنگ را گاه اندک و گاه به گام تغییر دهم. هر فردی با خاطره‌های خاص خودش یا گزینش در خاطره‌هایش برخی از ارزش‌ها را مهم‌تر و انسانی‌تر می‌سازد و برخی از ارزش‌های دیگر را به حاشیه می‌راند.

### خاطره‌سازی: فرآیند ماندگار شدن

خاطره‌ها تنها حادثه را ذخیره نمی‌کنند بلکه عریان یا افشا می‌کنند خاطره‌نویسی در این فرآیند عریان سازی یا افشای حادثه‌ها، بسیاری از نکته‌های خوب یا بد، زشت یا زیبا، تعارضات، تضادها و نابرابری‌ها ... نیز عریان می‌شود به همین دلیل هرگاه حادثه‌ای به خاطره تبدیل می‌شود فرصتی برای ما به وجود می‌آید تا با فاصله گرفتن از آن حادثه امکان تجزیه و تحلیل و نقد حادثه را به دست آوریم. خاطره یا خاطره‌سازی نوعی راهبرد برای فاصله‌گیری از حادثه‌ها و در عین حال مشاهده آنهاست. خاطره‌سازی نه تنها مانع از بین رفتن حوادث می‌شود بلکه به ما این فرصت را می‌دهد که حوادث را نگهداری کنیم اما به نوعی بیرون از خود آنها را قرار دهیم. خاطرات همان حادثه‌هایی هستند که روزی ما را در خود فرو برده بودند. اما اکنون آنها به حوادثی تبدیل شده‌اند یا به داده‌ها و اطلاعاتی مبدل شده‌اند که ما می‌توانیم آنها را دل‌بخوانانه و دواطلبانه در مقابل چشمان خود قرار دهیم و به مثابه چیزهایی در بیرون آنها را نظاره کنیم، زیر و بم آنها را بکاویم، درباره علل وقوع آنها، پیامدهای آنها و دیگر ابعادشان با آرامش گفتگو کنیم. از این راه ما فرصت آن را پیدا می‌کنیم تا خاطره را به مثابه بخشی از فرهنگ و فرهنگ را به مثابه بخشی از خاطره از نو بسازیم یا بیافرینیم. به اعتقاد من خاطره همان فرهنگ است که ما در زندگی روزمره خود آن را تجربه می‌کنیم. فرهنگ به مثابه یک کلیت آنقدر وسیع و پیچیده و گاهی حتی انتزاعی است که ناگزیر باید از راه‌هایی در دسترس ما قرار گیرد. خاطره یکی از راه‌های میانبری است که ما به کلیت فرهنگ دسترسی پیدا می‌کنیم. صحبت کردن درباره خاطره به مثابه فرهنگ تا حدودی دشوار است زیرا گاهی مرزهای این دو چنان در هم تنیده می‌شوند که به سختی می‌توان گفت کدام خاطره است یا کدام فرهنگ. برای بانوی ایرانی که تمام هویت خودش را نه از راه فعالیت شغلی یا تحصیلات دانشگاهی یا آفرینش هنری بلکه از راه مادری، کسب می‌کند، و تمام این هویت مادری بر ساخت تاریخی فرهنگی است که فرهنگ ایرانی برای او شکل داده است، چگونه می‌توان گفت مجموعه تجربه‌هایش با فرزندانش خاطره‌اند یا فرهنگ.

## اهمیت و ارزش خاطره

(۱) «خاطره‌گویی، خاطره‌نگاری و بعدها خاطره‌نویسی از زمانی شروع می‌شود که انسان می‌فهمد من دارد. خاطره به معنی ذهن و حافظه است و «ه» نسبت یعنی رویدادی که در ظرف ذهن و

حافظه جا می‌گیرد. این که انسان غارنشین روی دیوار غارها تصویر حیوان می‌کشد، خاطراتش از مسائل عینی را روایت می‌کند. علتش هم این بود که می‌خواست شکارش را دارایی و خاطره خود کند. هویت از این جا شروع می‌شود. هویت یعنی من در برابر دیگری هر که SELF را بشناسد OTHER را هم خواهد شناخت. نگارنده خاطره الزاماً نویسنده نیست. او بعد از نگریستن می‌نگارد، یعنی اول نگرنده است و سپس نگارنده.»

همه دانش بشری بر همین من مبتنی است بسیاری از اظهارات ما نشان‌گر خاطرات ما هستند. اما ما آن‌ها را خاطره نمی‌دانیم. خاطره، زمانی زاده می‌شود که انسان با خودآگاهی روایت عینیات گذشته‌اش را بکند. ردِ ما در همه کارهای ما هست اما کدام یک از این کارها خاطره است؟ این من، من مضموم نفسانی نیست. آن منی است که به من بودنش آگاه است.

این من باید اظهار بشود و این اظهار در متن و روایت بروز می‌یابد.

«خاطره رکن اصلی هویت ما را می‌سازد؛ ما بدون خاطره موجودیت اجتماعی نداریم. حل امور روزمره زندگی انسان‌ها نیازمند وجود خاطره / حافظه است. کسانی که دچار فراموشی شده‌اند سررشته زندگی را گم می‌کند و حتی این معضل را به زبان می‌آورد. به قول اومبرتو اکو، اگر می‌خواهیم به خودشناسی درستی دست یابیم باید خاطرات گذشته در حافظه مان برقرار باشد؛ به عبارت دیگر، هویت ما وابسته به خاطراتمان از گذشته است. انسان‌ها بدون خاطرات شخصی شان قادر نیستند به خودشناسی پایدار و رضایت‌بخشی دست یابند. پس خاطره بر گذشته و حال ما سایه می‌اندازد و مردم زندگی شان را به وسیله همین ابزار تفسیر می‌نمایند و شرایط شکل دهنده کیستی شان در گذشته، تغییراتی که در طول زمان کرده‌اند، و امید به تغییرات جدید را در طرح و قالبی نو عرضه کنند. به عبارت دیگر، حافظه که خزانه خاطره است مانند نقشه راه انسان‌ها عمل می‌کند: مسیری را که از گذشته تاکنون آمده‌ایم ترسیم نموده مسیره‌های مطلوب برای آینده را به ما نشان می‌دهد. البته در این مورد دیدگاه‌های ضد. و نقیضی بیان شده است.»

۲) خاطراتی که در هر دوره و زمان نوشته می‌شوند، می‌توانند وضعیت فرهنگی، اجتماعی و ... آن دوره را تا حدی برای آیندگان روشن سازند؛ چنانکه امروزه بسیاری از مسائل و وقایع سال‌های جنگ از روی خاطرات رزمندگان شناخته می‌شود.



۳) می‌توان با خواندن هر خاطره از نکته‌های نهفته در آن استفاده کرد و آنها را در زندگی به کار گرفت. برای مثال اگر در خاطره‌ای خواندیم که مدیری هنگام بستن قرارداد دچار چه مشکلاتی شده است ما نیز در هنگام بستن قرارداد به آن مسائل توجه می‌کنیم.

۴) شخصی که در نظر دارد خاطره بنویسد، باید این توانایی را داشته باشد که بیشتر و دقیق‌تر از بقیه ببیند و بشنود تا بتواند خاطره‌ها را به گونه‌ای بنویسد که مخاطب او احساس کند که خود، در آن فضا قرار گرفته است.

۵) خاطره‌نویسی به رشد، پیشرفت و افزایش توانایی انسان در نوشتن کمک می‌کند و از این نظر، خاطره‌نگار به سوی نویسنده شدن تکامل می‌یابد.

### کارکرد خاطره‌نویسی

خاطره‌نویسی یکی از عام‌ترین و صمیمانه‌ترین راه‌ها برای انتقال حس به دیگران است. هر کس می‌تواند با رعایت اصولی ساده و قواعدی محدود، اتفاقات مهم زندگی خود را ثبت کند و خاطرات تلخ و شیرین زندگی خود را همچون پیروزی‌ها و شکست‌ها، تجربیات تکرار ناشدنی، حوادث مهم و عواطف و احساسات را ماندگار کند.

در دنیای امروز مرز خاطرات و فرهنگ درهم تنیده‌تر و پیچیده‌تر شده است. ما امروز به کمک پیشرفت‌های فناورانه توانسته‌ایم دنیای خاطرات را توسعه دهیم. موبایل‌ها، دوربین‌های عکاسی، وبسایت‌ها، خودکار و قلم‌ها و همه ابزارهای مستندسازی، تکنولوژی‌های خاطره‌اند که ما به کمک آنها هر لحظه خاطره‌سازی می‌کنیم. این تکنولوژی‌های خاطره در واقع فناوری‌هایی برای گسترش مشارکت ما در فرهنگ امروزند. ما می‌توانیم بگوییم امروز هر کس به اندازه‌ای که از تکنولوژی‌های خاطره استفاده بیشتری می‌کند به همان اندازه سهم بیشتری در فرهنگ دارد و هر کس در فرهنگ امروز مشارکت بیشتری دارد از قدرت و جایگاه بالاتری در زندگی اجتماعی برخوردار است.

به هر حال همه از همه چیز به یک نوع یا شکل استفاده نمی‌کنند. خاطره ساختن نوعی بهره‌برداری یا استفاده از چیزهاست. برخی به دلیل دانش یا قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی پیچیده‌تر یا به دلیل ذائقه و سلیقه خاص و داشتن مهارت‌های ذهنی می‌توانند از بسیاری

چیزها برای خود خاطره بسازند درحالی که بسیاری دیگر از افراد چنین توانایی را ندارند به عبارت دیگر خاطره ساختن، نوعی قابلیت یا مهارت انسانی است که ما طی آن می‌توانیم برچسب معینی به نام خاطره به کالاها، رخدادها یا لحظه‌های زمان الصاق کنیم. از این دیدگاه، خاطره نوعی فعالیت انسانی است که طی فرآیند خاصی انجام می‌شود.

## کالایی شدن خاطره

تکنولوژی‌های خاطره، خاطرات را به به کالاهایی ارزشمند و تجاری تبدیل کرده‌اند. ما از راه تولید عکس‌ها، فیلم‌ها و یادداشت‌ها و زندگی‌نامه‌ها و سفرنامه‌ها و طراحی و نقاشی تجربه‌هایمان تجارت می‌کنیم. تجارتی که احتمالاً ارزش آن اگر بیش از نفت نباشد حداقل کمتر نیست. از این رو در جهان امروز تکنولوژی‌های خاطره، خاطرات را تجاری کرده‌اند و مهر سرمایه‌داری پسا صنعتی امروز را بر پیشانی خاطرات تک تک ما زده‌اند. تجارت خاطره در واقع تجارت را خاطره‌انگیز نکرده‌اند بلکه خاطرات را تجاری کرده‌اند و بسیاری از ما ممکن است چندان با همه وجود مایل به پذیرش ارزش‌های سوداگرانه و سودانگاران سرمایه‌داری معاصر نباشیم اما گاهی احساس می‌کنیم ناچار به پذیرش برچسب تجاری شدن بر خاطراتمان شده‌ایم. بسیاری از ما در وب سایت‌ها یا کتاب‌های زندگی‌نامه یا فیلم‌هایی که از روی تجربیاتمان ساخته‌ایم یا عکس‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی به نمایش گذاشته‌ایم به افشا و عینی‌سازی لایه‌هایی از وجود و تجربه‌هایمان تن داده‌ایم که در نهایت چیزی جز نوعی بازاریابی و تبلیغات بازاریابانه برای حرفه‌هایمان نیستند. ما در عین حال همه آن عکس‌ها، یا فیلم‌ها یا زندگی‌نامه‌ها و سفرنامه‌ها خاطرات ما هستند که اکنون به فروش می‌رسند. این تجاری‌سازی خاطرات همان ویژگی فرهنگ امروز ماست یعنی فرهنگ سوداگری و سودانگاری.»

## خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی

گفته شد خاطره، یکی از بی‌تکلف‌ترین، عام‌ترین و صمیمانه‌ترین نوشته‌هاست. در خاطره‌نویسی اصول و قواعد ثابتی وجود ندارد و قوانین همگی نسبی و در حد رهنمودهایی است که بر اساس تجربه استادان فن ارائه شده است که می‌تواند به جذاب‌تر و شیواتر شدن و اثر گذارتر بودن خاطره کمک کند. یک حادثه مهم می‌تواند در قالب گفتار یا نوشتار ارائه شود:

الف — خاطره گفتاری: فرآیندی که در آن، شخصی از یک اتفاق یا رویداد مهم در قالب کلمه‌ها و جمله‌ها، خاطره‌ای می‌سازد. در واقع این نوع خاطره، شکلی کاملاً ساده، بی‌تکلف و بی‌قاعده از بیان یک اتفاق است و هدف آن فقط ذکر آن رویداد یا اتفاق است. در این نوع خاطره، کلمات، جمله‌ها، فضا سازی‌ها و هر چیز دیگر دارای نقش اساسی و پایه‌ای نیستند و نقشی طبیعی و در حد سایر عناصر هر نوشته بر عهده دارند و معمولاً دارای این ویژگی‌هایی است مانند: صمیمیت، زبان، به کار بردن کلمات شکسته، جابه‌جا شدن ارکان جمله، تکیه نکردن بر حواشی و حوادث فرعی...

ب — خاطره نوشتاری: فرآیندی که در آن نویسنده، یک خاطره گفتاری را روی کاغذ می‌آورد. این گونه از خاطره نویسی اگر چه اصول و قواعد دست و پا گیری ندارد و فقط نگارش یک خاطره گفتاری است، ارزش ادبی آن، بیش از خاطره گفتاری است.

### رویکردهای خاطره گویی و خاطره نویسی

#### الف: رویکرد جزئی‌نگر

در برخی از خاطرات، خاطره گو یا نویس هنگامی که حادثه داستان را کمرنگ می‌بیند و آن را به تنهایی برای تأثیر گذار بودن، کافی نمی‌داند، لذا به جزئیات و ریزه کاری‌های صحنه‌ای که حادثه در آن روی داده، توجه زیادی کرده، همه را با آب و تاب تعریف می‌کند. بدین ترتیب از سوئی، فضای حادثه را زنده و واقعی‌تر نشان می‌دهد و آن را قابل لمس‌تر می‌کند و از سوئی دیگر، فضای خالی حادثه را به کمک حوادث فرعی یا جزئیات صحنه‌ها پر می‌کند. اگر در انجام این کار، نویسنده از دقت و آگاهی لازم برخوردار نباشد و بی‌دلیل و ناشیانه به ریزه کاری‌ها پردازد، حوصله مخاطب را سر خواهد برد و او عطای خاطره را به لقایش خواهد بخشید! پس، فقط در صورتی به جزئیات صحنه پردازید که این جزئیات بتوانند مخاطب را به فضای درک خاطره نزدیک‌تر ساخته، و او را بیشتر جذب کنند.

#### ب — رویکرد کلی‌نگر

نوعی از روایت خاطره است که راوی در آن بیشتر به شرح حادثه می‌پردازد و اجزای حاشیه‌ای را حذف کرده و به حداقل می‌رساند. دقت داشته باشید که اگر حادثه از برجستگی و تعادل نسبی کمی برخوردار باشد، نوشتن آن به صورت کلی هیچ لذتی در مخاطب به وجود نمی‌آورد. نتیجه آن که اگر خاطره‌ای دارای موقعیتی بسیار خاص، برجسته و نامتعادل باشد، بهتر است از روش کلی‌نگر برای ثبت آن استفاده کنید و اگر خاطره‌ای معمولی و با برجستگی حادثه‌ای اندک باشد، آن را با رویکرد جزئی‌نگر ثبت کنید.

### تفاوت خاطره‌نویسی با گزارش‌دهی

خاطره فقط قسمتی از محدوده زمانی را در برمی‌گیرد که در آن اتفاق برجسته یا حادثه خاصی روی داده باشد یا فکری جذاب در زمانی محدود به ذهن انسان خطور کرده باشد، اما گزارش، شرح دیده‌ها و شنیده‌هایی است که درباره یک موضوع خاص توسط گزارشگر انتخاب می‌شود. برای مثال، در گزارش بازدید از منطقه صنعتی، نویسنده باید مراحل مختلف سفر را هر چند که حادثه مهمی در آن اتفاق نیفتاده باشد ثبت کند؛ اما در خاطره نویسی، نویسنده فقط اتفاق یا اتفاق‌های مهمی را که برای او یا افراد دیگر پیش آمده است، با رعایت اصول و قواعد خاطره‌نویسی ثبت می‌کند.

نثر گزارش معمولاً حالت صمیمیت و سادگی و بی‌تکلفی نثر خاطره را ندارد. در گزارش نویسی معمولاً سعی می‌شود ترتیب و توالی اجزای جمله به صورت نسبی رعایت شود. اما در خاطره نویسی، نویسنده بدون تکلف و با رعایت نکاتی محدود جمله‌ها را به هر صورت که بخواهد، به دنبال هم می‌آورد. گزارش، بسیار واقع‌گرایانه‌تر از خاطره است؛ یعنی اگر چه در خاطره نویسی باید از خیالپردازی دوری کرد، اما گاهی می‌توان ذهنیت‌های شخصیت یا شخصیت‌های خاطره را هم در خلال خاطره به کار برد؛ در صورتی که گزارش نویسی ثبت دیده‌ها و شنیده‌هاست و گزارش‌نویس نمی‌تواند ذهنیات، احساسات و عواطف انسان‌ها را بیان کند.

### فرآیند خلق خاطره

گفته شد خاطره، گزارش جزئیات رخداد‌های مربوط به گذشته است. هر خاطره در فرآیندی ذهنی، رخدادی مادی و غیرانسانی به امری معنادار و انسانی تبدیل می‌شود. برخی به دلیل دانش، قابلیت‌ها خاص و ظرفیت‌های انسانی و مهارت‌های ذهنی می‌توانند از بسیاری چیزها

برای خود خاطره بسازند، در حالی که بسیاری از افراد دیگر چنین توانایی ندارند. به سخن دیگر خاطره سازی، نوعی قابلیت، فعالیت و مهارت انسانی است که در آن می‌توانیم برچسب معینی به نام خاطره به کالاها، رخدادها یا لحظه‌های زمان وصل کنیم. از این دیدگاه، خاطره در فرآیند خاصی انجام می‌شود. برای مثال ما هر روز تجربه‌های مشترک فراوانی را با دوستان یا همکاران خود کسب می‌کنیم اما بعضی از این تجربه‌ها برای عده‌ای دارای معنای خاص، مهم یا متفاوت می‌شوند در حالی که عده دیگری که در آن حادثه شریک بوده و به آن توجهی نکرده‌اند.

برای نمونه عده‌ای کلاس درس استادی را تجربه کرده‌اند برخی از فراگیران سخنان یا رفتارهایی از استاد را در سال‌های طولانی به یاد می‌آورند در حالی که همان رفتارها و سخنان برای دیگران فاقد معنای خاصی است.

در نظر بگیرید خانمی که تصمیم می‌گیرد تا عکس‌هایی از مراسم مثل عروسی تهیه کند و آنها را در شبکه اجتماعی قرار دهد و از این عکس‌ها به عنوان بخش‌هایی از خاطرات زندگی خود اسم می‌برد یا وقتی جوانی از تجربه‌های زندگی روزمره‌اش، در وبلاگش می‌نویسند و از این طریق به خود بیان‌گری می‌پردازد اگر چه از نگاه او خاطره‌هایش را ثبت می‌کند اما گامی کوچک برای تغییر فرهنگ برمی‌دارد. ثبت حادثه‌ها به عنوان خاطره، نوعی توصیف تجربه‌های انسانی است و هر توصیف کردنی گامی برای تغییر است. ما از طریق نوشتن یا تصویربرداری از حادثه‌ها به عنوان خاطره، فرصت تامل و بازاندیشی در آنها را برای خود و دیگران فراهم می‌کنیم. ما هرگاه به این نوشته‌ها یا عکس‌ها نگاه می‌کنیم تفسیر جدی و تازه‌ای از بخشی از فرهنگ تولید می‌کنیم. خاطره‌های ثبت شده در فیلم‌ها، عکس‌ها، داستان‌ها، رمان‌ها، سفرنامه‌ها، زندگی‌نامه‌ها، وبلاگ‌ها و ... فرصتی است برای تجزیه و تحلیل بخش‌هایی از فرهنگ است. ما از طریق برساختن خاطره، فرصتی فراهم می‌کنیم تا حادثه را به نحو سیستماتیک عینی کنیم.

### نسبت خاطره و تجربه

بخشی از عمر ما در کار سازمانی یا غیرسازمانی کار می‌رود. حضور در یک سازمان خاطره‌ساز است. از آشنایی با آن سازمان تا ورود به آن و چندوچون گذران روزگار در ایام حضور در آن و چگونگی خروج از آن. خاطره‌گویی بیان تجربه نیست بلکه هر خاطره را باید نوشتاری و گفتاری دانست که اشاره به تجربه‌هایی دارد که آکنده از قواعد و آموزه‌های تجربی‌اند. اگر این

تجربه‌ها به صورت منسجم و دقیق نوشته شده باشند و امکان پژوهش روشمند در آن ممکن باشد می‌توان به احکام، اصول و قانونمندی‌ها دست یافت. پس می‌توان هر خاطره را بیان یک تجربه مشخص یا مجموعه‌ای از تجربه‌هایی دانست که آکنده از آموزه‌های ضمنی و نهفته‌ای است که باید صریح و آشکار شود. پس خاطره می‌تواند بستر بیان تجربه باشد که محدوده زمانی را در برمی‌گیرد که در آن اتفاق برجسته یا حادثه خاصی روی داده باشد. پس به سخن دیگر باید گفت خاطره در دو جهت با مفهوم تجربه پیوند می‌یابد:

### الف) کلیت زندگی چونان یک تجربه

کل خاطرات یا بخشی از زندگی یک فرد را می‌توان یک تجربه قلمداد کرد که آموزه‌هایی کلی از آن قابل استنباط است و می‌توان دریافت که او از مجموع رخداد‌های عمر خود به چه نتیجه‌ای رسیده است. برای نمونه: «به نظر من، انسان‌ها بیشتر شنیدنی‌اند تا دیدنی... بیچاره‌ترین انسان‌ها اوست که کسی را نداشته باشد تا قصه‌هایش را بشنود، می‌گویند آدمیزاد تشنه دیده شدن است، اما من معتقدم همه تشنه شنیده شدنیم.»

«قصه خودتان را بسازید. به مردم تا جایی ضمانت دهید که توان انجامش را دارید. خوش‌بینی بهتر از بدبینی است ولی نه مثل من که با اعتماد و خوش‌بینی بیش از اندازه لطمه دیدم، و زندگی کنید تا می‌توانید و آن را با قصه‌های زیبا بسازید.»

### ب) تجربه حل مسئله خاص

گاه خاطره‌نویس در متن خاطرات خود به طور مشخص بیان می‌کند که درباره یک مسئله خاص از ابتدا که آن را شناسایی کرده تا سرانجامش در موفقیت یا شکست در حل مسئله چه کارهایی انجام داده و مراحل را پشت سر گذاشته است و چه درس‌هایی آموخته است. او حتی برای ادعاهای خود مستندات لازم را نیز ارائه می‌کند در چنین حالتی خاطره‌نویس به شیوه موردی به تجربه‌نگاری نزدیک می‌شود. در واقع خاطرات او، بستری روایتی خواهد بود برای بیان تجربه‌های مستند.

### انواع خاطره‌نویسی سازمانی

انسان غرق در تعامل با محیط است. او در سرزمین های جدید عمر، با پدیده های تازه تری روبرو می شود و آثاری از این تجربه ها بر ذهن و نظام حسی- عاطفی اش بر جای می ماند. این آثار که قابل مرور هستند، خاطره های انسان را شکل می دهند. بیان خاطره، گزارشی از بخش هایی از زندگی شخصی و کاری است که امکان درس آموزی را برای خوانندگانش فراهم می آورد، آینده ای که از دیده ها و شنیده هایی که در گذار عمر شکل می گیرند متأثر می شوند و آدمی با چشمانی بازتر جهان را می نگرد. می توان خاطره نویسی را به شیوه های گوناگون دسته بندی کرد.

www.gholamrezakhaki.com

## خاطره طنین رفتار موثر غلامرضا خاکی

### مقدمه:

من محمدعلی سعیدی، با مدرک ابتدائی سال ۱۳۱۵ استخدام نفت شدم و سال ۱۳۵۰ که بازنشسته شدم لیسانس فنی داشتم.

### سرآغاز ماجرا

در اوایل استخدام روزی نوبت من شد تا کف کارگاه را نظافت کنم، اما من این کار را نکردم هرچه نصیحتم کردند، فایده نداشت و استعفا کردم.

موضوع که به رئیس آقای صبحی منتقل شد، او آمد و کنار دیوار ایستاد و به من گفت: به اندازه قد من، روی دیوار خط بکش، چون بلندتر از من بود روی صندلی رفتم و روی دیوار خط کشیدم ...

بعد او با جارو کارگاه را پاک کرد و تمام میزها و وسایل را با پارچه گردگیری کرد ... کارش که تمام شد کنار همان دیوار زیر خط ایستاد و پرسید: « به نظرت من کوچک شده ام؟ سکوت مرا که دید گفت: اگر شرکت برای نظافت اینجا کارگر استخدام نمی کند برای این است که ما کار آموزان یادگیریم و عادت کنیم همه چیز از جمله محیط کارمان را مرتب و منظم باشد »

### سرانجام

این حادثه باعث شد که من همیشه مرتب باشم و روی خیلی ها تأثیر بگذارم.

### تأثیرات روانی و مادی و رفتاری ماجرا بر راوی خاطره

۱-۱) تبدیل شدن یک فرد با مدرک ابتدایی به یک لیسانس فنی (بالا رفتن سطح تحصیلات شرکت) به دلیل ماندن در شرکت و ادامه خدمت

۱-۲) منظم و مرتب شدن یک کارمند

۱-۳) اصلاح غرور کاذب و ایجاد تعلق خاطر در یک کارمند گریزان از محل کار



۴-۱) تبدیل شدن یک کارمند فراری به یک مربی اصلاح

تأثیرات احساسی و عبرتی حاصل از ماجرا

احساس می کنم هرچه در کنارمان می گذرد یک امتحان است باید در آن رد نشویم

www.gholamrezakhaki.com

## قالب کلی برای نگارش خاطره‌نگاری

نامی حداکثر سه کلمه‌ای برای خاطره خود در زیر بنویسید

۱- مقدمه

(در این قسمت شخصیت اصلی که در خاطره حضور دارد و همچنین شرایط کلی رخداد را شرح دهید. این شخصیت اصلی می‌تواند خود شما یا کسی دیگر باشد.)

۲- بدنه اصلی خاطره

-زمان و مکان و موقعیت رخداد را شرح دهید

-ماجراها و فراز و فرودهای آن را بیان کنید

### ۳- سرانجام و نتیجه ماجرا

توضیح داده شود که پایان ماجرا چه شد. اگر خاطره مربوط به خود شماست سرانجام چه کردید.

### ۴- تاثیرات روانی و مادی خاطره بر راوی خاطره

ماجرا برای زندگی من چه دستاوردهایی داشت.

### ۵- تاثیرات احساسی و عبرتی حاصل از ماجرا

وقتی این ماجرا را مرور می کنید یا برای کسی بیان می نمائید چه احساسی در شما ایجاد می شود.